خبر بد

خطر اخراج قشم از یونسکو بار دیگر

واگذاری اراضی در محدوده طولانی‌ترین غار نمکی جهان به مرکز پرورش میگو به‌عنوان جدی‌ترین تهدید برای خروج ژئوپارك قشم از یونسکو مطرح است. واگذاری اراضی در جزیره قشم از سال ۹۶ درحالی شروع شد که همان سال، پروژه ژئوپارك این جزیره موفق شد به فهرست ژئوپارك‌های یونسکو بازگردد. این ژئوپارك یك بار سال ۸۵ ثبت جهانی شده بود، اما سال ۹۱ به دلیل آنچه مشکلات مدیریتی اعلام شد، کارت قرمز گرفت و از این فهرست خارج شد. اینك کارشناسان معتقدند، واگذاری اراضی که بیشتر با هدف احداث اقامتگاه، مرکز پرورش میگو و آبزیان، پلاژ و شهرك‌های صنعتی بوده، این ژئوپارك را بار دیگر در معرض تهدید قرار داده است. علیرضا امری کاظمی، مدیر ژئوپارك جهانی قشم و سرپرست مدیریت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری قشم در این باره به ایسنا گفت: حدود دو ماه قبل موضوع این واگذاری در ایسنا مطرح شد، اما به دلیل بی‌توجهی مسؤولان ذی‌ربط اکنون کار به جایی رسیده که در محوطه‌ای که زمان انتشار خبر فقط دو کانکس در آن مستقر بود، تخریب گسترده در اصل اثر اتفاق افتاده است. با این وجود پروژه نه تنها متوقف نشد، بلکه با قوت ادامه پیدا کرد و خطر خروج ژئوپارك قشم را از فهرست جهانی یونسکو، جدی کرده است. مدیر ژئوپارك جهانی قشم گفت: این پروژه در اراضی‌ای در حال اجراست که سه حریم مهم را شکسته است؛ نخست حریم ثبت جهانی ژئوپارك قشم است که در پرونده یونسکو کامل و واضح مشخص شده. دو حریم دیگر به میراث طبیعی و ملی که در وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی ثبت شده است با عنوان محدوده ژئوپارك و محدوده اختصاصی سایت «نمکدان» مربوط می‌شود. این تخریب در هر سه محدوده اتفاق افتاده است.

معافیت مالیاتی دفاتر خدمات مسافرتی فعال در حوزه ورود گردشگران خارجی

وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی از معافیت دفاتر خدمات مسافرتی و جهانگردی فعال در حوزه ورود گردشگران خارجی از پرداخت مالیات بر ارزش افزوده خبر داد. به گفته علی‌اصغر مونسان، بر اساس ماده ۱۳ قانون مالیات بر ارزش‌افزوده، صادرات کالا و خدمات به خارج کشور از طریق مبادی خروجی رسمی، مشمول مالیات بر ارزش‌افزوده نیست، ضمن این‌که، طبق بند ۵ تصویب‌نامه مورخ ۱۵ مرداد ۱۳۸۴ شورای عالی توسعه صادرات غیرنفتی، درآمد ارزی ناشی از ارائه خدمات دفاتر خدمات مسافرتی و شرکت‌های گردشگری به گردشگران خارجی، از مصادیق معافیت صادرات کالا و خدمات بوده و از پرداخت هرگونه عوارض و مالیات معاف است. او گفت: خدماتی که توسط اشخاص مقیم ایران ارائه می‌شود، محل مصرف خدمات و یا مقصد ارائه خدمات داخل یا خارج از کشور باشد، درصورتی‌که مستقیم یا غیرمستقیم ارز حاصل وارد کشور شود، صادرات خدمت محسوب می‌شود.

فاطمیه امسال کرمانی‌ها در خانه حاج‌قاسم که تبدیل به بیت‌الزهرا شده عزاداری می‌کنند

فاطمیه در خانه حاج قاسم

خیمه سوگواری حضرت فاطمه (س) از دیشب در بیت‌الزهرای کرمان برپا شده است

فاطمه مرادزاده
ایران

حالا کوچه خورشید، شب‌هایش هم آفتابی است. همین شب‌ها که نام درخشان بانوی دو عالم زهرای مرضیه، دقیقه‌ای یکبار روی زبان روضه خوانان و مداحان بیت‌الزهرا می‌نشیند و درهم می‌آمیزد با نام سرداری که روزگاری اینجا می‌زیسته و حالا پرواز سرخ و آسمانی‌اش، بار دیگر این خانه را شهره شهر کرده است، شهر کرمانی‌ها...

«ارادت بی‌حد و حصر سردار قاسم سلیمانی به ساحت مقدس اهل بیت به‌ویژه بانوی دو عالم صدیقه کبری، انگیزه اصلی پاگرفتن بیت الزهرای کرمانی‌هاست» این را یکی از خادمان بیت‌الزهرا به ما می‌گوید. حاج مهدی صدفی که روزگاری همرزم سردار سلیمانی در دفاع مقدس بوده و یادش می‌آید که سردار همیشه در هنگامه‌های سخت نبرد به رزمنده‌ها سفارش می‌کرده هر جا مشکلی پیش آمد، به حضرت زهرا(س) متوسل شوند. این ارادت، او را خروپس از جنگ هم کنج دل حاج قاسم خانه می‌کند، آن‌قدر که در خانه محقر خودش در خیابان ابوذر برای جمع دوستان و فامیل و آشنا روضه حضرت زهرا برگزار کند؛ روضه‌ای که چند سال بعد به خانه بزرگ‌تری در خیابان کار می‌رسد و دست آخر راهی بیت الزهرای کنونی می‌شود؛ خانه‌ای بزرگ‌تر (در دو طبقه و یک زیرزمین) در خیابان شهید رجایی یا همان خورشید سابق.

قصه خانه خورشید، به ۲۰ سال پیش برمی‌گردد؛ خانه‌ای که به گفته حاج مهدی صدفی، ابتدا احیاتش محل برپایی مراسم فاطمیه می‌شود و حدود ده سال بعد سردار سلیمانی خانه کوچک کنار آن را می‌خرد و سر حیاط خانه اصلی می‌اندازد تا فضای بیشتری (معادل ۱۲۰۰ مترمربع) برای عزاداران مهیا شود که سال به سال بر جمعیتشان اضافه می‌شود. سردار سلیمانی، همان زمان نام بیت الزهرا را برای محوطه و بنای جدید انتخاب می‌کند و کار ساخت و ساز و زیباسازی بیت الزهرا از همان زمان آغاز می‌شود. حاج قاسم سلیمانی از سال ۷۶ که به سپاه قدس می‌پیوندد و همراه خانواده در تهران ساکن می‌شود، برای همیشه بیت الزهرا را ترک و آن را وقف سوگواران اهل بیت می‌کند. بیت الزهرا برای سردار البته فقط خانه سوگ نیست و او به دوستانش می‌گوید تصمیم دارد آنجا را به یک مرکز فرهنگی برای ترویج معارف قرآنی و الهی و عترت تبدیل کند؛ طوری که در آن حیاط در تمام ایام سال باز باشد. برای همین بهترین معماران و هنرمندان هنرهای اصیل سنتی را نشان می‌کند و به خانه می‌آورد تا بیت زهرایش را به زیباترین شکل ممکن بسازند و بیارایند که خانه به خانه زهرای یگانه است و باید بهترین باشد.

راستی بیت الزهرا مدفن یک شهید گمنام هم هست و خانه شهدای کرمان که سردار خواسته نام و عکسشان روی تمام دیوارهای بیت بنشیند.

> عشق و ارادت بی‌حد و حصر سردار قاسم سلیمانی باعث شد وی منزل مسکونی‌اش در کرمان را به بیتی برای عزاداری و سوگواری حضرت زهرای مرضیه (س) تبدیل کند

درست یکی از همان روزهای شلوغ کرمان، همان روزهای پرجمعیت و سرخ و سیاه کرمان که جمعیتی میلیونی به مشایعت سردار شهیدشان آمده بودند، اقبالی نصیبمان شد تا مسافر کوچه خورشید شویم؛ مهمان بیت‌الزهرا... خورشید آسمان غروب کرده و سکوتی سنگین روی بیت الزهرا سایه انداخته بود.

گذرمان به زیرزمین خانه افتاد، همان‌جا که چند ردیف به نماز جماعت ایستاده بودند و بعد از نماز همکلام ما شدند، از ارادتشان به هم‌ولایتی و سردار شهیدشان گفتند و این‌که دلشان یك‌سر سلیمانی شده و دیگر مثل او جز به شهادت فکر نمی‌کنند. آنها جوانان و نوجوانان خانوکی بودند، جایی که روزی سردار گفته بود با وضو باید وارد آن شوید... همه سردار را دیده بودند، بارها، هرسال، شاید حتی بوسه‌ای روی گونه اش کاشته بودند؛ همان زمان که ایام فاطمیه بود و بعد از مراسم تا پاسی از شب در میان جمع و مردم کوچه و بازار می‌ماند و به درددلشان گوش می‌داد...

خاطرات حاج آقای اسدی، امام جماعت جوان بیت الزهرا شاید پررنگ تر از بقیه بود، اما فرقی نمی‌کرد و حالا هم سلیمانی شده بودند، عاشق سلیمانی و خونخواهش؛ حس خونخواهی سردار حتی در دل امیرمحمد ۱۲ ساله هم نشسته بود، آن‌قدر که به ما بگوید عاشق شهادت است و می‌خواهد انتقامی سخت از آمریکا بگیریم و آن انتقام چیزی نیست جز نابودی کامل این دشمن خونخوار...

اینجا عشق، سرکارگر است

بعد از گپ و گفت با نوجوانان خانوکی محله خورشید، به طبقه اول می‌رویم؛ همانجا که چند کارگر هنرمند، شبانه روز عشق روی در و دیوار بیت الزهرا می‌کارند؛ عشقی که گاه توی آیینه کاری‌های زیبا و گاه در کاشی‌های معرق و مقرنس و آیه نگاری‌ها متبلور شده و حاصل مهر و محبتی است که سردار در دل هنرمندانی چون محمدرضا شیخی و حسن حاجی زاده و ناصر خانیغما کاشته تا با جان و دل برای خانه سردارشان، وقت بگذارند و شبانه روزشان بشود کار و عرق ریزی برای جایی که سردار می‌خواست تا ایام فاطمیه درهایش به روی عزاداران باز شود و با زیبایی و روحانیتش محلی باشد هم برای جلای دل و هم جلای چشم و روح.

شیخی کجایی...

صحبت از صحن و سرای بیت‌الزهراست. صحن و سرای کوچکی که زیبایی و اصالت و تاریخ یك سرزمین روی سقف و دیوارهای شبستان‌اش نقش بسته و همه این زیبایی را مدیون صحن حضرت زهرا در حرم مولا امیرالمومنین است؛ همانجا که مقرنس‌ها و آیینه کاری‌های زیبایش چشم سردارمان را گرفت تا بخواهد برکه‌ای از آن دریای نور و صفا را به بیت الزهرای کرمان بیاورد. همان هم شد که دلش بخواهد پیمانکار صحن حضرت زهرا در نجف اشرف، جلوه‌ای از آن زیبایی بی‌کران را در فضای بیت الزاهرایش بپاشد و اینجا را هم ملکوتی کند. محمدرضا شیخی، همان پیمانکاری است که ما در بدو ورودمان به شبستان بیت الزهرا او را در لباس کار و همرنگ با چند کارگر دیگر دیدیم، آن‌قدر که تشخیص‌شان غیرممکن بود.

حالا کار بازسازی و زیباسازی بیت الزهرا تقریبا تمام شده و از دیشب شبستان مفروش و محل رفت و آمد عزاداران شده، اما حدود دو هفته پیش که ما پایمان به آنجا رسید، گروه هنرمند و همکار استاد شیخی در فضایی شلوغ و پرخاك و گچ مشغول کار بودند، آیینه‌کاری‌ها نصف و نیمه بود و هنوز ماه‌ها زمان لازم بود تا بیت الزهرا، بیت الزهرای دلخواه سردار شود، شیخی اما می‌دانست سردار عجله دارد و تاکید کرده تا شروع ایام فاطمیه آیینه کاری و مقرنس کاری‌ها به سرانجام برسد، و البته آن‌قدر وجودش عزیز و ارزشمند بود که پیمانکار دست در دست همکارانش شبانه روز و صرف دو هفته کار را به پایان برسانند. در همان فضا که کنار خاك و غبار بنایی، گرد غم فراق سردار هم در آسمانش پاشیده شده با شیخی گپ و گفتی زدیم. شیخی، هنرمند هنرهای اصیل و سنتی چون مقرنس و معرق و آیینه کاری و اهل خراسان است.

از چه وقت و چند نفر اینجا مشغول به کار هستید؟

یك تیم ۱۵ نفره از حدود ۹ ماه پیش، شبانه روز اینجا مشغول ساخت نمای داخلی و تزئینات شبستان هستیم. البته شروع کارمان برمی‌گردد به سال ۹۶ که برای سقف و شبستان گنبد ساختیم. تقریبا در تمام دو سال گذشته مشغول کار بودیم، غیر از ایام عزاداری و دهه فاطمیه که کار به‌خاطر حضور مردم تعطیل می‌شد.

دقیقا اینجا چه می‌کنید؟

وقتی این خانه به ما سپرده شد، گنبد نداشت. ما کارمان را با ساخت یك گنبد برای شبستان آن شروع کردیم. بعد هم یك مرمت و بازسازی مجدد و اجرای آیینه کاری و مقرنس و معرق کاری روی دیوارها و سطوح داخلی گنبد. از آنجا که سردار تاکید داشتند تصاویر تمام شهدای استان کرمان در بیت الزهرا نصب شود، به تعداد تمام این شهدا جانمایی‌هایی هم روی تمام دیوارها برای نصب تصویر و قاب شهدا تعبیه کردیم.

آیات و عبارات زیادی روی سطح داخلی گنبد و دیوارها و محراب حکاکی شده، درباره اینها هم توضیح می‌دهید؟

این هم خواست سردار بود که این خانه به سوره‌ها و آیاتی از قرآن درباره حضرت زهرا مثل سوره کوثر و همچنین آیاتی درباره جهاد و مقاومت و شهادت مزین شود، مثل آیه ۱۶۹ سوره آل عمران یعنی؛ وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ که دورتادور سطوح داخلی گنبد همراه با ترجمه فارسی نگاشته شده است.

برای ساخت و تزئین بیت الزهرا از جایی الگو گرفتید؟

طراحی و تزئینات بیت الزهرا الگو گرفته از مسجد زیبا و بزرگ الزهرای رفسنجان است که خودمان آن را ساخته‌ایم و هنوز افتتاح نشده. سردار عکس‌های آن مسجد را دیده بود و از ما خواست بیت الزهرا را هم همان‌گونه بسازیم و تزئین کنیم. اصلا ایشان دوست داشت هر مسجد یا مکانی که به نام حضرت زهرا ساخته می‌شود بسیار تمیز و زیبا و اصولی ساخته شود و عقیده داشت وقتی پای جوانان به مسجدی تر و تمیز و زیبا باز شود دیگر به‌راحتی آن را ترك نمی‌کنند.

و چه خاطره‌ای از سردار دارید؟

همه رفتار و سلوك ایشان برای ما خاطره بود. مثلا یکهو و بی‌خبر و بی‌محافظ وارد خانه و شبستان می‌شدند و با یکایك ما دست می‌دادند و احوالپرسی و روبوسی می‌کردند؛ بدون استثنا با همه، با همین سروصورت‌های پرخاك و کثیف ما را در آغوش می‌گرفتند و می‌بوسیدند.

یکی از همکاران ما سیگاری است و همیشه بدجور بوی سیگار می‌دهد، طوری که خودمان هم به او نزدیك نمی‌شویم، اما سردار حتی با او هم روبوسی می‌کرد. با ما می‌نشست و صحبت می‌کرد و چای می‌خورد، بعد هم بی‌سرو صدا خارج می‌شد و تازه آن موقع بود که مردم کوچه و خیابان او را می‌دیدند و پس از کلی شك و تعجب و تردید به‌خاطر بی‌محافظ بودنش به سراغش می‌رفتند و دوره‌اش می‌کردند.

همکاران شما سردار را می‌شناختند و از جایگاهش اطلاع داشتند؟

بله، حتی وقتی می‌آمد آن‌قدر جذبه و ابهت داشت که هول توی دلمان می‌افتاد، ولی آن‌قدر صمیمی با ما برخورد می‌کرد که این جو سنگین را خیلی زود با خنده‌ها و شوخی هایش می‌شکست. ما را با اسم و فامیل صدا می‌زد و طوری برخورد می‌کرد که حتی بچه‌ها صمیمانه با او درددل کنند و از مشکلاتشان بگویند.

می‌توانید لحظه ورودشان به شبستان را توصیف کنید؟

صدایش زودتر از خودش می‌آمد: «شیخی کجایی؟ خوابی یا داری صبحانه می‌خوری؟....»

و این جملات را آن‌قدر راحت و بی‌ریا می‌گفت که حالا برای هرکسی تعریف می‌کنم، باورش نمی‌شود.

اولین بار سردار را کجا ملاقات کردید؟

در بیت الزهرا، درحال ساخت گنبد شبستان بودیم. یك روز صبح سرزده آمد و یکهو برگشتم دیدم فردی تك و تنها جلوی در ایستاده و دارد ما را نگاه می‌کند. ۳۰ روز از شروع کارمان در بیت می‌گذشت، فکر کنم مهر سال ۹۶ بود.

و دیدارهای بعدی؟

جدا از دیدارهای مختصر در مکان‌های متفاوت، دو بار دیگر و هربار چند ساعت پیش ما آمد و در همین جا ساعت‌ها نشستیم و درباره روند و چگونگی کار صحبت کردیم، پیشنهاد می‌دادیم و نظر می‌دادند. یك بار برج چهار و پنج و دفعه دوم، مهر یا آبان همین امسال بود که بار دوم از ۶ صبح پیش ما بود تا حدود ساعت ۱۰.

باورتان می‌شود که دیگر سردار را نخواهید دید؟

هرگز، نه شهادتش باورمان شده و نه این‌که دیگر ایشان را نخواهیم دید و همیشه منتظریم ایشان دوباره از در شبستان وارد شود و بگوید شیخی کجایی؟...

طراح: بیژن گورانی

جدول شماره ۵۵۸۶

جدول عادی

افقی: ۱) خنده‌رو- آشکار و جلوه‌گر- پی‌بندی ساختمان ۲) برنامه خانوادگی پرسابقه شبکه یك سیما- پهلوان ۳) مساوی- نوشته شده- از متعلقات سلاح که برای جنگ تن به تن استفاده می‌شود ۴) نیکبخت- جاهل ۵) صفت سرو- رمان مشهور پائولو کوئیلو- بلند و طولانی ۶) از شبکه‌های تلویزیونی ما- صحابه ایرانی پیامبر(ص)- به طور ناگهانی ۷) اشاره‌وار- صدای پرندگان آوازه‌خوان- تکرار حرفی ۸) امپراتوری آلمان- بزرگداشت- سیب آذری ۹) منحنی- بازیکن خط میانی- از تیم‌های فوتبال روسیه ۱۰) غزوه سال سوم هجرت- اصرار بر انجام کاری- خجستگی ۱۱) محروم- شهر مقدس برهماییان- چهره ۱۲) بی‌سر و صدا- پایتخت آنگولا ۱۳) شهری در آلمان- نام چندتن از پادشاهان فرانسه بود- مغز سر ۱۴) شالوده- نویسنده‌ای که با اسلحه وداع کرد ۱۵) روا- داستانی کوتاه نوشته ماکسیم گورکی- توله‌سگ شکاری.

عمودی: ۱) بسیار زیاد- انقلابی عصر مشروطه و ملقب به سردار ملی- متحیر ۲) حالی شدن- محو کردن- پسوند شباهت ۳) مادر عرب- علم اعداد- مغازه ۴) بلند و رفیع- از وسایل بنایی- مرکز خوزستان ۵) هم عقیده- هوای اطراف کره زمین ۶) صاحب اختیار- نوعی نارنگی- زمزمه کردن ۷) از انواع چین‌خوردگی‌های زمین- جلال و شکوه- پسوند شباهت ۸) پهلو- دارای احساس نامطلوب- اقامتگاه مسافر ۹) نوعی حلوا- اسامی- از ارتفاعات استان کرمانشاه ۱۰) قانون مغول- اصطلاحی در شطرنج- هدیه چهره‌گشایی عروس ۱۱) بسیار محبوب- فروشگاه اجناس دست دوم ۱۲) گوشه‌ای در دستگاه شور- ورزش یخ و چمن- نوزاد ۱۳) تازه و جدید- شهری در فارس- امر به گفتن دارد ۱۴) رد پا- میله آهنی جابه‌جاکننده اجسام سنگین- شاگرد کلاس اول دبستان ۱۵) نوعی دسر- صداقت عامیانه- کیسه نگهداری دوغ.

جدول ویژه

افقی: ۱) سبك ادبی یا هنری- تزویر- نافرمانی ۲) جنوبی‌ترین نقطه قاره آفریقا- ضمیر غایب ۳) گونه- غار شگفت‌انگیز زاهدان- گلی خوشبو و سمی ۴) اسباب مخصوص جهت‌یابی- فولکلوریك ۵) ضمیر متکلم وحده- راه و روش- صورتی مایل به نارنجی ۶) نوعی چاشنی خوراکی- وضع موجود- شهری در آلمان ۷) خرید غیرنقدی- سفره- تکرار حرفی ۸) تازه و جدید- ملاحظه و احتیاط- هم آره هم نه ۹) رام نشده!- مرگ موش- ایوان ۱۰) کشوری قدیمی در بین‌النهرین- فخرفروشی- شایش ۱۱) کشوری درون خاك آفریقای جنوبی- جوك- مسابقات ورزشی سراسری در یك رشته ۱۲) پول پاکستان- زینت دادن ۱۳) نویسنده اتریشی رمان شطرنج باز- همراه با طنز و شوخی- مرحله خواب عمیق ۱۴) فاصله میان دو نقطه- تا ابد و همیشه ۱۵) تخت پادشاهی- زبان قراردادی بین چند نفر- ابزار لحیم‌کاری.

عمودی: ۱) طرح و الگو- دریا سالار- بچه بازیگوش ۲) قهوه ایتالیایی- فرومایه- مجموعه کلمات روی یك خط افقی ۳) لنگه بار- نان پاره گدایی- اهل نفاق ۴) قطعی برای کتاب- همسر فرعون که حضرت موسی(ع) را پرورش داد- فرکانس ۵) گدای سمج- آرمان‌شهر ۶) سید ها- طبقه‌ای از ساختمان- صمیمی ۷) شهری در خوزستان- برات- جدید ۸) لغزنده- شیوه نوشتن کلمات- سازگار ۹) دوستی- نور ماه- دو رو ۱۰) قسمت کم عمق دریا- نماز وحشت- به تنهایی ۱۱) شاه ساسانی- جاده ریل‌گذاری شده ۱۲) به کمال رسیدن- دهمین خلیفه اموی- گناه ۱۳) همسایه الجزایر- ستون‌بندی سخت جانوران- ضمیر سوم ۱۴) عقیده- مربوط به هنر- خاصیت مقاومت جسم در برابر تغییر سرعت ۱۵) دارو- سنگ‌های مناطق بیابانی با لبه‌های تیز- ابزاری برای سوراخ کردن.

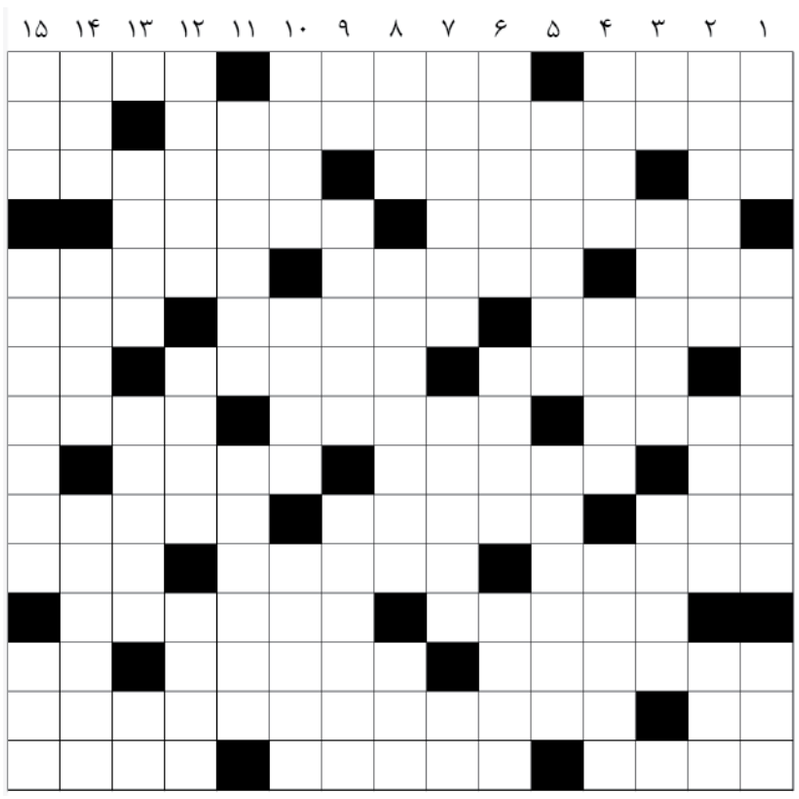

حل جدول عادی شماره ۵۵۸۵

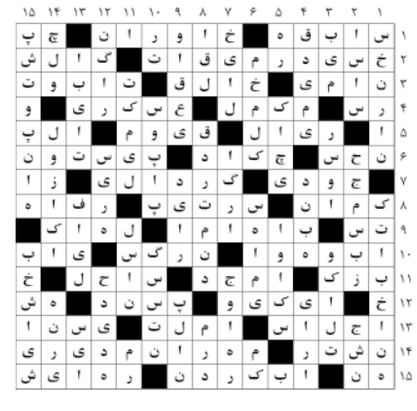
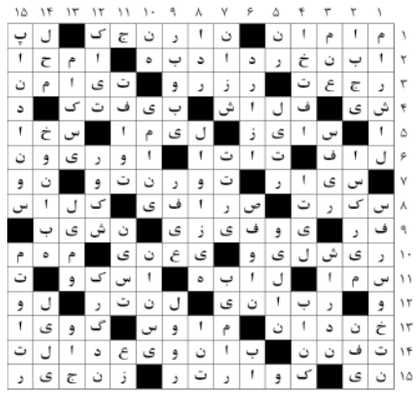
حل جدول ویژه شماره ۵۵۸۵